



مجموعه مباحث اخلاقی

مقام شفاعت، اعطایی از حضرت حق

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»



۱۶ بهمن ماه ۱۳۸۷

۸ صفر المظفر ۱۴۳۰



تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«الهي لئس لي وسيلة إليك إلا عواطف رافتك ولا لي ذريعة إليك إلا عوارف رحمك وشفاعة نبيّ الرّحمة ومُنقذ الأمة من العُمة فأجعلهما لي سبباً إلى نيل عُفوانك وصيّرهما لي وصلة إلى الفوز برضوانك»^(١).

خدایا! مرا به سوی تو وسیله‌ای جز عواطف مهربانیت نیست و دست آویزی جز عطا‌های رحمانیتت و شفاعت پیغمبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که نجات دهنده امت از رنج و آلام دو عالم است نخواهد بود، پس تو این دو را برای من وسیله آمرزش و سبب وصول به مقام سعادت و بهشت رضوانت قرار ده .

پکیده سفن

حضرت امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام در این مناجات روش تقرّب و راه یافتن به بارگاه قدس ربوبی را به ما می‌آموزند . به تصریح امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام در این مناجات ، انجام واجبات و مستحبات و پرهیز از محرّمات و مکروهات ، وسیله‌ای مطمئن برای رساندن فرد به بارگاه عزّ ربوبی نمی‌باشد ، چرا که هیچ یک از آنها خالی و تهی از آلودگی‌های نفسانی نمی‌باشد ، معمولاً افعال ما انسان‌ها یا از خوف

۱- مناجات خمسة عشر، مناجات المتوسّلین .

جهنّم است یا طمع به بهشت و چنین اعمالی تنها قابلیت تحقق خواسته‌های صاحبان خود را دارد. به این معنا که فردی که به خاطر ترس از جهنّم واجبات را انجام می‌دهد و از محرّمات پرهیز می‌کند، از جهنّم رهایی می‌یابد، همچنین است حال کسی که به طمع بهشت و برخورداری از لذت‌های بهشتی واجبات را به جا می‌آورد و از محرّمات پروا می‌کند. چنین افرادی با چنین اعمال و نیت‌هایی نمی‌توانند به بارگاه الهی تقرّب پیدا کنند.

برای کمال و عروج روح و دست یافتن به وعده‌هایی که خداوند سبحان به بندگان خاص خود عطا می‌کند، باید از وسیله‌ای مطمئن بهره جست. امام سجّاد علیه السلام در این نیایش دو وسیله مهم را نام می‌برند،

۱ - عواطف و رحمت خاص الهی.

۲ - شفاعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

در جلسات گذشته، تا حدودی پیرامون دو وسیله فوق توضیحاتی ارائه دادیم و به شبهاتی که به شفاعت وارد می‌شود، پاسخ دادیم و بیان نمودیم توّسل به غیر خدا، شرک و منافی با توحید نمی‌باشد.

مسأله شفاعت، تنها یک جعل و توصیه شرعی نمی‌باشد تا عده‌ای مخالفت کنند و بگویند از طرف شارع مقدّس مسأله‌ای تحت عنوان شفاعت جعل نشده است و ساخته و پرداخته عافیت نشینان می‌باشد!

اگر نیک بنگریم، شفاعت ریشه در عالم تکوین دارد. به این معنا که عظمت و قداست خالق متعال اقتضاء دارد که با هر پست و دنی ارتباط مستقیم نداشته باشد و وسایطی را برای ارتباط با آنها قرار دهد. این وسایط، که وسایط فیض می‌باشند، در لسان شرع شفیع نام گذاری شده‌اند. اکنون پس از بیان مقدّمه فوق و تشریح گوشه‌ای از روایات پیرامون نقش معصومین علیهم السلام که بیانگر جایگاه این بزرگواران می‌باشد، همچنین با توجّه به تمام مطالبی که از

ابتدا در ارتباط با ویژگی‌های حضرات معصومین علیهم‌السلام بیان شد به راحتی می‌توانیم معنای توسل و شفاعت را درک و بیان کنیم.

قدرت فاعل و ضعف قابل

تا به حال دریافتیم که جبروت، جلالت و عظمت خالق متعال اقتضای ارتباط مستقیم با هر پست، دنی و مفضولی را ندارد. بر اساس برهان (امکان اشرف)^(۱) ثابت گردید که جریان فیض الهی نمی‌تواند بدون واسطه به مخلوقات و موجودات برسد.

البته این‌گونه نیست که خداوند همچون پادشاه جبار و ستمگری بگوید: هیچ کس حق ندارد بدون واسطه با من سخن بگوید. لزوم وجود واسطه از طرفی به شدت و قدرت فیض الهی و از سوی دیگر به ضعف و سستی مخلوقات باز می‌گردد. به عبارت دیگر ضعف از فاعل نیست، بلکه قابل و دریافت‌کننده فیض، قابلیت دریافت بی واسطه آن را ندارد.

برای روشن شدن مطلب به این مثال توجه فرمایید: برق فشار قوی که در نیروگاه تولید می‌شود اگر بدون کنترل و فشار شکن به برق شهری متصل گردد، تمام سیم‌های برق آن شهر می‌سوزد و از بین می‌رود. دستگاهی که به برق کم ولتاژی نیاز دارد را با ترانس به برق شهری وصل می‌کنیم. فشار شکن و ترانس همانند واسطه‌هایی می‌باشند که نخست برق را دریافت کرده و به صورت تعدیل شده و ضعیف ارسال می‌نمایند.

خداوند متعال فیاض علی الاطلاق است و در اعطاء فیض بخل و امساک

۱- بنابراین قاعده؛ وجود، حیات، قدرت، علم و... تا به اطراف خود اشرف پیدا نکنند نمی‌تواند، نقاط دورتر را در بر بگیرد. فیض از مبدأ فیاض مطلق به آخس نمی‌رسد مگر این که در رتبه قبل به اشرف رسیده باشد. (شرح منظومه سبزواری، جلد ۳ صفحه ۶۶۴)

نمی‌ورزد. اما موجودات و مخلوقات توان دریافت بی واسطه فیض الهی را ندارند و نیازمند وسایطی هستند که این فیض را دریافت و به حسب قابلیت وجودی هر کس به او اعطا نمایند. به همین دلیل است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِي ابْتَدَعَهُ مِنْ نُورِهِ وَاشْتَقَّهَ مِنْ جَلالِ عَظَمَتِهِ... ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ وَاللُّوحَ وَالشَّمْسَ وَضَوْءَ النَّهَارِ وَنُورَ الْأَبْصَارِ وَالْعَقْلَ وَالْمَعْرِفَةَ وَأَبْصَارَ الْعِبَادِ وَأَسْمَاعِهِمْ وَقُلُوبِهِمْ مِنْ نُورِي وَنُورِي مُشْتَقٌّ مِنْ نُورِهِ»^(۱).

خداوند نخست از نور خود نور مرا ابداع [آفرینش] کرد و آن را از جلال و عظمت خود منشاء داد... سپس از نور من که قسمتی از نور خدا می‌باشد، عرش، لوح، آفتاب، روشنایی روز، نور دیدگان، عقل، معرفت، چشم بندگان، گوش و قلب‌های آنان را آفرید.

بنابر این خداوند متعال از نور خود، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را آفرید و همه مخلوقات و موجودات دیگر از نور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفریده شدند. بنابر این دریافت نور الهی نیازمند به واسطه یا به عبارتی (وسيله) می‌باشد، چنانکه خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۲).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

۱- بحار الانوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۲.

۲- سوره مائده، آیه ۳۵.

معنا و مفهوم و تفسیر (وسیله) در این آیه شریف بنا به تصریح روایات فراوان، حضرات معصومین علیهم السلام هستند، همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل آیه فوق می فرماید:

«أنا وسيلته»^(۱).

من وسیله [تقرّب به] خداوند هستم.

حتّی برخی از مفسّران اهل سنّت در تفسیر این آیه، اسامی اصحاب کساء علیهم السلام را ذکر کرده اند^(۲).

و یا اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«نحن الوسيلة إلى الله والوصلة إلى رضوان الله»^(۳).

ما وسیله ای به سوی خداوند و راه رسیدن به رضوان خداوند هستیم.

همچنین حضرت زهرا علیها السلام در رابطه با غصب فدک، توسط دستگاه نامشروع خلافت، خطبه مشهوری ایراد کردند و فرمودند:

«نحن وسيلته في خلقه»^(۴).

ما وسیله های خداوند در میان مخلوقات هستیم.

اما هر چیزی شایستگی آن را ندارد که وسیله قرار بگیرد. وسایل و وسایط، توسط خداوند برگزیده و انتخاب می شوند. همان گونه که انتخاب در عالم تشریح یعنی (نبوّت و مقام دریافت و ابلاغ وحی) از آن خداوند است، در عالم تکوین، (انتقال فیض به مخلوقات) نیز در اختیار خداوند است. افراد بشر هیچ حقّی در این انتخاب و جعل ندارند.

۱- تفسیر برهان، جلد ۶ صفحه ۴۶۹.

۲- از منابع اهل سنّت: شواهد التنزیل، جلد ۱ صفحه ۴۴۶.

۳- بحار الانوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۳.

۴- از منابع اهل سنّت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۶ صفحه ۲۱۱.

به عنوان مثال، سنگ‌های بسیار زیبا و درخشانی در عالم یافت می‌شود و انسان از دیدن آنها لذت سرشاری می‌برد، اما خداوند هیچ یک از این سنگ‌ها را وسیله قرار نداده است و فقط سنگ سیاه کعبه را وسیله تقرب و تعبّد قرار داده است. به همین جهت در هنگام تشرّف به بیت الله الحرام در صورت امکان، باید حجر الاسود را ببوسیم، واستلام^(۱) نماییم و بگوییم:

«اللّهُمَّ أمانتي أديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة»^(۲).

بارالها! امانتم را ادا نمودم و به عهد و پیمانم گردن نهادم تا به وفاداری من شهادت دهی [خطاب به حجر الاسود].

خلاصه اینکه تا کنون در رابطه با جایگاه و مقام والا و دست نیافتنی ائمه اطهار علیهم‌السلام مطالبی بیان نمودیم و به این نتیجه رسیدیم که خداوند متعال به دو دلیل حضرات معصومین علیهم‌السلام را مجرای فیض الهی قرار داده است.

۱ - جلالت، عظمت و قدوسیّت، ذات اقدس الهی، از این که با هر پست، دنی و حقیری ارتباط مستقیم برقرار کند، ابا دارد.

۲ - مخلوقات و موجودات، تحمّل و قدرت دریافت فیض و جلوه‌های الهی را در همه شئون و جهات ندارند. به همین دلیل خداوند متعال، وسایل و وسایطی برای انتقال فیض از منبع فیّاض به دیگر مخلوقات قرار داده، که آنان در درجه اول حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌باشند.

و همچنین به نتایج دیگری دست یافتیم که خلاصه آن چنین است:

۱ - انتخاب اسباب و وسائط تنها در اختیار ذات اقدس الهی است و هیچ کس در این گزینش، حق دخالت و اظهار نظر ندارد.

۱- استلام: لمس کردن، دست کشیدن به چیزی (فرهنگ معین).

۲- وسائل الشیعة، جلد ۱۳ صفحه ۳۱۴.

۲ - واسطه قرار دادن معصومین علیهم السلام و توسّل به ساحت آن حضرات علیهم السلام توصیه و سفارش قرآن است و هیچ اشکالی ندارد.

۳ - برای دستیابی به نعمات و رحمت و جلوه‌های خداوند متعال باید از وسایل و وسائط استفاده کرد. برترین تجلّی این وسائط، ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«أنا وسیلته»^(۱).

من وسیله [برای تقرّب به] خداوند هستم.

در برابر این تفکّر صحیح که برگرفته از آیات و روایات است، تفکّری انحرافی وجود دارد، که هر نوع خواستن، خواهش، توسّل و شفیع قرار دادن به درگاه خداوند را شرک می‌پندارد. این اندیشه از زمان‌های نه چندان دور در میان بخشی از مسلمانان به وجود آمد و ریشه آن جهالتی است که به صدر اسلام و بعضی صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باز می‌گردد. دلیل عمده و اصلی این انحراف بسیار بزرگ که متأسفانه دامن‌گیر عده‌ای از مسلمانان شده، جهل و وسوسه شیطان است. چنانکه عمر ابن خطاب (خلیفه دوم) چون توجّه به جعل الهی و وسیله قرار گرفتن بعضی از اشیاء را نداشت به حجر الاسود خطاب کرد و گفت:

«إني لأعلم أنك حجر لا تضر ولا تنفع»^(۲).

من یقین دارم تو سنگی هستی که نه ضرر می‌رسانی و نه سودی داری.

در صورتی که قبلاً هم گفتیم، استلام و بوسیدن حجر الاسود مستحب و وسیله‌ای برای قرب به خداوند متعال است.

۱ - تفسیر برهان، جلد ۶ صفحه ۴۶۹.

۲ - از منابع اهل سنت: شرح فتح القادیر، جلد ۲ صفحه ۴۴۹.

در انتخاب امام عَلَيْهِ السَّلَامُ، وسایط فیض و وسایل الهی اعتقاد صریح و قاطع به جعل الهی داریم و در شفاعت ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و توسل به آنان فقط آنچه را که قرآن و روایات مستند بیان کرده‌اند می‌پذیریم و به شبهات و وسوسه‌های شیطانی که مخالف دستور خداوند است، اهمیتی نمی‌دهیم. باید مراقب وسوسه‌ها و استدلال‌های شیطان باشیم. هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را آفرید به تمام فرشتگان دستور داد که به آدم سجده کنند:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^(۱).

(ویاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید» همگی سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و (به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

شیطان نافرمانی نمود، سجده نکرد و با خداوند استدلال و محاجه نمود و گفت: خداوندا! چگونه پست را بر برتر و دنی را بر اعلا ترجیح می‌دهی؟

﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾^(۲).

[شیطان] گفت: من از او به‌ترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل. هنگامی که خداوند به استدلال او وقعی ننهاد، از راه معامله وارد شد و گفت: «أنا أعبدك عبادة لم يعبدكها ملك مقرب ولا نبي مرسل»؛ خداوندا! اگر مرا از سجده بر آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ معاف داری تو را به گونه‌ای عبادت می‌نمایم که تا به حال نه فرشته‌ای نزدیک به تو و نه پیامبری فرستاده از جانبیت، تو را عبادت کرده باشد.

۱- سوره بقره آیه ۳۴.

۲- سوره ص، آیه ۷۶.

خداوند در پاسخ به وی فرمود:

« لا حاجة لي إلى عبادتك، إنما أريد أن أعبد من حيث أريد لا من حيث تريد»^(۱).

مرا نیازی به عبادت تو نیست، آن گونه که دوست دارم می خواهم عبادت شوم نه آن گونه که تو دوست می داری.

شیطانی که سجده‌های او چهار هزار سال به طول می انجامید، گرفتار عجب و تکبر شد. عبودیت، تسلیم محض خداوند بودن است، نه عبادت فراوان. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«عبدني لك ولا تفسد عبادتي بالعجب»^(۲).

مرا بر بندگی خود رام ساز و عبادتم را به سبب خود پسندی تباه منمائی. تسلیم در برابر پیشگاه الهی یکی از بالاترین نعمت‌ها بشمار می آید، باید هر چه را قادر مطلق می فرماید، گردن نهیم تا سر انجامی چون شیطان رجیم نداشته باشیم.

شفاعت، تنها به اذن خداوند

بت پرستان، اجسام دست ساز خود را واسطه و شفیع نزد خداوند می دانستند. خداوند متعال در آیات متعددی این پندار بت پرستان را نقد نموده و شفاعت را فقط به اذن خود دانسته است.

﴿لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾^(۳).

یاور و سرپرست و شفاعت کننده‌ای جز او [خدا] ندارند شاید پرهیزگاری پیشه کنند.

۱- تفسیر قمی، جلد ۱ صفحه ۴۲.

۲- صحیفه سجادیه دعای مکارم الاخلاق، صفحه ۱۰۰.

۳- سوره انعام، آیه ۵۱.

﴿لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ﴾^(۱).

جز خدا نه یاورى دارند و نه شفاعت کننده‌ای .

﴿مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ﴾^(۲).

هیچ شفاعت کننده‌ای جز با اذن او نیست .

﴿مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾^(۳).

هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای شما جز او نیست ، آیا متذکر نمی‌شوید ؟

با مقدماتی که بیان نمودیم ، می‌توان بهتر به تبیین بسیار زیبای قرآن پی برد . بت پرستان بدون اذن و اجازه خداوند برای خود ولی ، شفیع و صاحب اختیار ، انتخاب می‌کنند . خداوند انتخاب آنان را نادرست و باطل می‌داند . خداوند متعال اصل ولایت ، وساطت ، شفاعت و قیومیت غیر خود را پذیرفته است ، امّا به شرط اینکه آنان برگزیده و مأذون وی باشند . اصل وجود واسطه ، بر اساس براهین عقلی^(۴) و نقلی ، صحیح و لازم است . امّا اشکال در واسطه‌های خیالی است که مأذون خداوند نمی‌باشند .

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾^(۵).

کیست که در نزد او ، جز به فرمان او شفاعت کند؟!

این آیه ، اصل وجود شفاعت گندگان را اثبات می‌کند . امّا آنان به اذن و اجازه خداوند شفاعت می‌کنند . ما برای تقرّب و نزدیکی به خداوند متعال ، باید به کسانی تقرّب جویم که خداوند متعال ، آنان را واسطه و مجرای فیض

۱- سوره انعام ، آیه ۷۰ .

۲- سوره یونس ، آیه ۳ .

۳- سوره سجده ، آیه ۴ .

۴- برهان امکان اشرف .

۵- سوره بقره ، آیه ۲۵۵ .

الهی قرار داده است. توحید و شفاعت با هم تنافی ندارند. توحید و شفاعت هر دو شعار قرآن هستند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^(۱).

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.

﴿وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^(۲).

آنان جز خدا اولیا و یاورانی ندارند که یاریشان کنند.

شفاعت، مقام اعطایی خداوند

شفاعت حضرات معصومین علیهم‌السلام و توسل به آنان شرک و کفر نیست، بلکه به تصریح قرآن کریم، خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقام شفاعت عطا نموده است. شب زنده‌داری و خواندن نماز شب برای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واجب است.

خداوند سبحان خطاب به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا﴾^(۳).

و پاسی از شب را از خواب برخیز، (و قرآن و نماز بخوان). این یک وظیفه اضافی برای توست، امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

۱-سوره آل عمران، آیه ۶۴.

۲-سوره شوری، آیه ۴۶.

۳-سوره اسراء، آیه ۷۹.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ
تَرْتِيلًا * إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾^(۱).

شب را جز کمی، به پاخیز * نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن * یا بر نصف
آن بیفزای، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان * چرا که ما بزودی سخنی سنگین
به تو القا خواهیم کرد.

خداوند سبحان در سوره اسراء آیه ۷۹ مقام محمود را به پیامبر ﷺ
بشارت می‌دهد. بر اساس تفاسیری که از این واژه، توسط عامه و خاصه به
دست مارسیده است منظور از مقام محمود، شفاعت است^(۲). پیامبر اکرم ﷺ
بین خالق و مخلوق، واسطه و شفیع است. شفاعت ایشان ﷺ محدود و
منحصر به مسائل پست و مادی نیست. ایشان دارای شفاعتی گسترده و
وسیع، در همه شئون آفرینش می‌باشند. حضرات معصومین علیهم السلام جریان
فیض الهی را از مبداء فیاض مطلق به دیگر مخلوقات می‌رسانند و همه
مخلوقات عالم آفرینش، نزد آنان، خوار و ذلیل می‌باشند.

«وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ»^(۳).

و خوار است هر چیزی برای شما.

شب زنده داری، خواندن با تأمل قرآن و نماز شب، قابلیت دریافت قول
ثقیل را ایجاد می‌نماید^(۴).

۱- سوره مزمل، آیات ۵ تا ۲.

۲- بحار الأنوار، جلد ۸ صفحه ۴۸، روضة الواعظین صفحه ۵۰۰ و از منابع اهل سنت بنگرید
به: مسند احمد، جلد ۲ صفحه ۴۴۱، صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۲۲۸.

۳- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۴- اگر بخواهیم به مقام و منصب بلند معنوی دست یابیم، شب زنده داری و خواندن نماز

اکنون که معنا و مفهوم شفاعت روشن شد و به شبهات پیرامون آن پاسخی مناسب ارائه دادیم و دانستیم که به نص صریح قرآن کریم رسول الله ﷺ دارای چنین مقام رفیعی هستند. اضافه می‌کنیم که ائمه اطهار علیهم السلام نیز به تبع رسول الله ﷺ دارای مقام شفاعت هستند، چرا که رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«أنا وعلی من شجرة واحدة وسایر الناس من شجر شتی»^(۱).
من و علی [علیه السلام] از یک درخت هستیم و باقی مردم از درخت‌های گوناگون هستند.

بنابر فرمایش فوق، می‌توان بیان کرد که امیرالمؤمنین و ائمه اطهار علیهم السلام نیز دارای ویژگی‌های رسول الله ﷺ از جمله مقام شفاعت هستند.
انشاء الله شفاعت رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام شامل حال همه ما گردد.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

شب را نباید هیچگاه فراموش کنیم. دوستانی که می‌خواهند در انجام وظیفه هدایت مردم، تبلیغ و ارشاد موفق باشند و از نفوذ کلام برخوردار گردند، نماز شب را به هیچ وجه ترک نکنند. باید قسمتی از آخر شب را به راز و نیاز و تهجد بپردازند، باشد که خداوند کریم به آنان لطف و عنایتی نماید.
۱- اقبال الاعمال، جلد ۱ صفحه ۵۰۶ و از منابع اهل سنت: شواهد التنزیل، جلد ۱ صفحه ۴۲۸، کنز العمال، جلد ۶ صفحه ۱۵۴ و مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۰۰.

بت پرستان بدون اذن و اجازه
خداوند برای خود ولی، شفیع و
صاحب اختیار، انتخاب می‌کنند.
خداوند انتخاب آنان را نادرست و
باطل می‌داند. خداوند متعال اصل
ولایت، وساطت، شفاعت و قیومیت
غیر خود را پذیرفته است، اما به
شرط اینکه آنان برگزیده و مأذون
وی باشند. اصل وجود واسطه، بر
اساس براهین عقلی و نقلی، صحیح و
لازم است. اما اشکال در واسطه‌های
خیالی است که مأذون خداوند
نمی‌باشند.

(صفحه ۱۲ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹